



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مستثنیات.....
۲	مرور گذشته.....
۲	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۳	۱. ارتباط روایت با موضوع بحث.....
۳	اشکال به جواب.....
۳	نتیجه بحث.....
۴	۲. نوع حکم در فرض دلالت روایت.....
۴	۳. منظور روایت دفع ضرر یا مطلق نفع است؟.....
۴	۴. روایت متعلق به مؤمن یا مطلق ناس دارد؟.....
۵	نتیجه گیری:.....
۵	روایت پنجم: دلیل پنجم شیخ (ره).....
۵	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۶	روایت پنجم: پنجمین دلیل شیخ (ره).....
۷	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۷	۱. ارتباط موضوع روایت با تولی.....
۷	۲. ظهور روایت در دفع ضرر به معنای عام.....
۷	جمع بندی.....



## تولی من قبل الجائر

### مستثنیات

### مرور گذشته

بحث در استثناء تولی من قبل جائر بود. اولین استثناء، مصالح العباد بود. در مورد ادله، سه مضمون روایی مطرح شد. روایت اول، معتبر و مستفیض بود. روایت دوم، معتبر نبود و در حد استفاضه نیز نبود. روایت سوم نیز دلالت نداشت.

روایت چهارم: دلیل چهارم شیخ (ره)

این روایت، روایت هفتم باب ۴۶ از ابواب مایکتنسب به است.

«وَفِي الْأَمْثَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع يَقُولُ مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَ رَفَعَ سِتْرَهُ وَ نَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤَمِّنَ رُوعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَدْخُلَهُ الْجَنَّةَ.»<sup>۱</sup>

کسی که متولی کارهای مردم شده است، اگر در کار عدالت بورزد و در را برای حل و فصل امور مردم، باز کرد و تحمل کرد، بر خداوند حق است، که او را در روز قیامت وارد بهشت کند و ترس وی را بریزد.

## بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت چندین نکته دارد:

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۳



## ۱. ارتباط روایت با موضوع بحث

بحث ما تولى من قبل جائر است، اما این روایت یک بحث کلی را مطرح می‌کند. در مورد ورود و یا خروج از دستگاه ظلم نیست. یک قاعده‌ی کلی برای کسانی است که در رأس امور هستند. در نتیجه سؤال ما این است که این روایت چه ارتباطی به موضوع ما دارد؟

باید گفت که «مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ» یعنی هر کسی در کاری برود و با عدالت رفتار کند، شامل لطف خداوند است. این امر، مصداق تولى من قبل جائر می‌شود. در آن زمان، حکومت در دست غاصبان بوده است. اگر این روایت را از ظرف زمانی خود ببریم، قرینیت پیدا می‌کند و ظرف زمانی، قرینه موردنظر می‌شود. در زمان ائمه (علیهم‌السلام)، خلافت در دست جائران بوده است. با این ملاحظه که «مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ»، تولى من قبل جائر را می‌گیرد، البته در حکومت مشروع نیز اطلاق دارد.

## اشکال به جواب

این جواب را به دو شکل می‌توان نقض کرد.

۱. این نکته قرینه‌ی روشنی ندارد. ما احادیث و اخبار زیادی در مورد حکومت حق و عادل داریم. در صورتی که مصداقی در عصر خود نداشته است.

۲. حتی اگر عصر و زمانه را قرینه فرض کنیم، حکومت‌هایی نیز وجود داشتند که مورد تنفیذ امام بوده است. مثل علی بن یقطین. امام (ع) در رابطه با کسانی که اجازه داده شده است، صحبت می‌کنند.

۳. احتمال دیگر این است که بگوییم این روایت اطلاق دارد که یا در حکومت جائر و یا عادل باید این کارها را بکنیم. اگر اطلاق داشته باشد، باید بگوییم که در روایات زیادی تولى من قبل جائر را جایز ندانسته‌اند. وقتی نسبت این روایت را با روایات منع تولى من قبل جائر بگیریم، یا روایت مقید است و یا اینکه دسته روایات منع، مقدم بر این روایت هستند.

## نتیجه بحث



## شماره ثبت: ۳۱۹۱

این روایت به بحث ما ارتباطی ندارد. علی‌رغم اینکه این روایت در باب ۴۶ آمده است، اما ارتباطی به بحث تولی من قبل جائر ندارد. نگاه روایت به تولی من قبل جائر معطوف نیست، روایت ناظر به بعد از مرحله فرض ولایت است.

### ۲. نوع حکم در فرض دلالت روایت

اگر این روایت دلالت داشته باشد، بر جواز یا الزام دلالت می‌کند؟

این روایت دلالت بر الزام نمی‌کند مگر اینکه قرینه‌ی خاصی داشته باشد. در روایت آمده است که اگر کسی این کار را انجام بدهد، خداوند او را وارد بهشت می‌کند. همان‌طور که عرض کردیم، وعده‌های ثواب و مقامات خاص در قیامت، استحباب و رجحان را می‌رساند. در نتیجه این روایت، بیش از رجحان استفاده نمی‌شود.

البته احتمال دیگری در روایت وجود دارد، زیرا در روایت آمده است: «رَوْعَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» به وی، امنیت می‌دهد. اگر این کار را انجام ندهد، دچار یک نوع خوف و وحشتی می‌شود و شاید نوعی عذاب بر او وارد می‌شود. یعنی اینکه اگر کاری را انجام ندهد، دچار عذاب می‌شود. حتی قبل از آن نیز لفظ عدالت را آورده است. عدالت یک الزام در امور است. در نتیجه از این روایت وجوب استفاده می‌شود.

### ۳. منظور روایت دفع ضرر یا مطلق نفع است؟

تمام این نکات با مفروض گرفتن دلالت روایت است.

آیا مقصود دفع ضرر یا مطلق نفع رساندن به دیگران است؟

در روایت می‌گوید که امور مردم را رسیدگی کند. این رسیدگی اعم است از اینکه منافع و دفع ضرر مؤمنین کند. اظهر این است که روایت شامل هر دو معنا می‌شود.

### ۴. روایت متعلق به مؤمن یا مطلق ناس دارد؟

این روایت برخلاف روایات قبل، اطلاق دارد. در روایت آمده است که رسیدگی به امور مردم (مؤمن یا کافر).



## نتیجه گیری:

این روایت دلالت نداشت. ولی از سویی رسیدگی به امور مردم، به احتمالی جواز یا وجوب دارد. تمام مردم شامل این روایت می شوند. منظور از امور مردم نیز هم دفع ضرر و هم مصالح آنان است.

## روایت پنجم: دلیل پنجم شیخ (ره)

این روایت، هشتمین روایت این باب است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع مَا تَقُولُ فِي أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ قَالَ إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَاتَّقِ أَمْوَالَ الشَّيْعَةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَلَى أَنَّهُ كَانَ يَجْبِيهَا مِنَ الشَّيْعَةِ عَلَانِيَةً وَيُرَدُّهَا عَلَيْهِمْ فِي السِّرِّ.»<sup>۱</sup>

علی بن یقطین از امام (ع) می پرسند: نظرتان در مورد ورود به دستگاه جائر چیست؟ امام (ع) فرمودند: اگر الزام به رفتن داری، اموال شیعه را حفاظت کن. علی بن یقطین در ادامه به ابی محمود می گفت: من در آن زمان، مالیات از شیعیان می گرفتم و مخفیانه به آن ها برمی گرداندم.

## بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت اعتبار ندارد. در این روایت چندین راوی غیر موثق وجود دارد. این روایت مرسله محمد بن یحیی است. ابراهیم ابی محمود، توثیق ندارد. علی بن یقطین از رجال قابل تعویض سند نیست.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۳



## بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت دلالتی در موضوع ما ندارد. در روایت می‌گوید: «إِنْ كُنْتُ لَا بُدَّ فَأَعْلًا». این روایت برای زمانی است که با اجبار وارد دستگاه ظلم شده است. بحث ما این است که فرد و شخص، الزامی ندارد و برای تأمین مصالح عباد وارد دستگاه جور بشود. در نتیجه این روایت ارتباطی به موضوع ما ندارد.

## روایت پنجم: پنجمین دلیل شیخ (ره)

روایت نهم باب ۴۶ است.

»

وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع فَقَالَ لِي يَا زِيَادُ إِنَّكَ لَتَعْمَلُ عَمَلَ السُّلْطَانِ قَالَ قُلْتُ: أَجَلٌ قَالَ لِي وَلَمْ قُلْتُ أَنَا رَجُلٌ لِي مُرُوءَةٌ وَ عَلَى عِيَالٍ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ظَهْرِي شَيْءٌ فَقَالَ لِي يَا زِيَادُ لَأَنْ أَسْقُطَ مِنْ حَالِقٍ فَاتَّقَطَّعَ قِطْعَةً قِطْعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَوَلَّى لِأَحَدٍ مِنْهُمْ عَمَلًا أَوْ أَطَا بِسَاطَ رَجُلٍ مِنْهُمْ إِلَّا لِمَا ذَا قُلْتُ لَا أَذْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِلَّا لِتَفْرِيجِ كَرْبَةٍ عَنْ مُؤْمِنٍ أَوْ فَكِ أَسْرِهِ أَوْ قَضَاءِ دِينِهِ يَا زِيَادُ إِنَّ أَهْوَنَ مَا يَصْنَعُ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ يَمَنْ تَوَلَّى لَهُمْ عَمَلًا أَنْ يَضْرِبَ عَلَيْهِ سُرَادِقٌ مِنْ نَارٍ إِلَى أَنْ يَفْرُغَ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ يَا زِيَادُ فَإِنْ وُلِّيتَ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِمْ فَأَحْسِنْ إِلَى إِخْوَانِكَ فَوَاحِدَةٌ بِوَاحِدَةٍ وَاللَّهُ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ يَا زِيَادُ أَيْمًا رَجُلٍ مِنْكُمْ تَوَلَّى لِأَحَدٍ مِنْهُمْ عَمَلًا ثُمَّ سَاوَى بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ فَقُولُوا لَهُ أَنْتَ مُنْتَحِلٌ كَذَابٍ يَا زِيَادُ إِذَا ذَكَرْتَ مَقْدَرَتَكَ عَلَى النَّاسِ فَادْكُرْ مَقْدَرَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ غَدًا وَ نَفَادَ مَا أَتَيْتَ إِلَيْهِمْ عَنْهُمْ وَ بَقَاءَ مَا أَتَيْتَ إِلَيْهِمْ عَلَيْكَ. »

حضرت از زیاد سؤال می‌کنند که چرا در دستگاه هستی؟ زیاد می‌گوید: من آبرویی دارم، نیازمندم و مالی ندارم. به خاطر همین مجبورم که در دستگاه مشغول شوم. خداوند می‌گوید: که اگر من از کوهی پرت شوم و تکه‌تکه بشوم برای من خوشایندتر است که ولایت والی جائری را بپذیرم و یا فرشی را زیر پای آنها پهن بکنم. حضرت در ادامه می‌فرماید: مگر اینکه برای برطرف کردن گرفتاری مؤمن، آزاد کردن مؤمن از اسارت، ادای دین مؤمن، این کار را انجام دهد. کمترین کاری که خداوند با کسانی که ولایت ظلم را پذیرفته‌اند این است که برایشان، خیمه‌هایی از آتش بپا می‌کند. زیاد اگر رفتی، برای مؤمنین کار خوب انجام بده.



## بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت معتبر نیست. هاشمی با اینکه از شیوخ صدوق است اما توثیق ندارد. صالح بن ابی حماد، تضعیف دارد. زیاد بن ابی سلمه نیز توثیقی ندارد. ایشان نیز قلیل الروایه است.

## بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این دلالت چند نکته وجود دارد:

### ۱. ارتباط موضوع روایت با تولی

حضرت در این روایت می‌فرمایند: بدترین کارها این است که تولی من قبل جائز بشود، و این برای من ناخوشایندتر از پرت شدن از کوه است. مگر اینکه برای قضاء دین، برطرف کردن گرفتاری مؤمن و یا آزاد کردن مؤمن از اسارت باشد.

این جمله، جواز تولی من قبل جائز است.

### ۲. ظهور روایت در دفع ضرر به معنای عام

آزاد شدن از زندان، دفع ضرر است ولی قضاء دین، دفع ضرر نیست. این یک جلب منفعت برای دیگران است. این روایت اعم از دفع ضرر و جلب المنفعه است. در نتیجه مطلق تأمین مصالح را شامل می‌شود.

نکته‌ی بعد این است که روایت، مؤمنین را شامل می‌شود.

## جمع‌بندی

در این روایات ملاحظه کردید که روایت اول از لحاظ سندی و دلالتی تام بود. روایت دوم و ششم دلالت تام داشت ولی سنداً تام نبود. روایات دیگر، دلالت نداشتند.